

بوم‌گردی یا تأسیسات گردشگری خیلی زیاد است. به همین دلیل افراد ترجیح می‌دهند که به سمت گرفتن مجوز نروند. این محدودیت‌ها موجب می‌شود؛ هزینه تمام شده برای آنها افزایش پیدا کند در حالی که می‌تواند با یک برگه یا آگهی مجموعه‌ای که دارد را اجاره دهد. حجم کارهایی که باید یک مجموعه گردشگری دارای مجوز انجام دهد آنقدر زیاد است که سرمایه‌گذار نمی‌تواند رقابت کند.

در میان صحبت‌هایتان گفتید نمودار سفر در ایران سینوسی است و بحران‌ها در بالا و پایین شدن این سینوس تأثیر می‌گذارد آیا در کشورهای دیگر هم این نمودار سینوسی وجود دارد یا نه؟

بله. وجود دارد ولی شدت آن مانند ایران نیست. مثلاً در تعطیلات عید تعداد زیادی از افراد به جزایر جنوبی می‌روند ولی وقتی عید تمام می‌شود یک گردشگر آنجا نیست. در دنیا این اتفاق مدیریت می‌شود. ساماندهی تعطیلات موضوعی بود که می‌توانست تعطیلات را مدیریت کرده و یک راهکار بود ولی انجام نشد. باید برای شهرهای مختلف مشوق‌های سفر ایجاد کرد. الان برای منطقه غرب کارهایی انجام شده است و حتی میراث فرهنگی شهرهای مناطق غرب در فهرست یونسکو مطرح می‌شود.

در واقع توزیع مکانی و زمانی سفر راهکار متعادل شدن سینوس سفر است و پر کردن قوس سینوس با گردشگر خارجی نیز یکی از راهکارهاست. قاعده اش این است که نوع سینوس را با رویداد و گردشگر خارجی و موضوعاتی مثل شهرهای مکمل پر کنیم. امسال وب سایتی برای سفر جزیره هرمز طراحی کردیم و از سازمان بنادر خواستیم کمک کند تا تعداد افرادی که به جزیره می‌روند مدیریت شود و آنها برای ورود به جزیره از قبل ثبت نام کنند ولی بخشی‌نگری موجب شد که این اقدام به سرانجام نرسد. ما باید بتوانیم با شگردهایی که در دنیا وجود دارد گردشگرانبوه را در مقاصد مدیریت کنیم و سینوس سفر را به یک تعادل برسانیم.

ما نباید در زمان پیک رویداد برگزار کنیم که بار اضافی به مقصد ایجاد کند. به تازگی ثبت رویدادها در تقویم گردشگری کشور را انجام دادیم تا بدانیم هر رویدادی دقیقاً چه زمانی برگزار می‌شود و تاریخ آن جابه‌جا نشود. همچنین از رویدادهایی که امتیاز بالاتری آورده‌اند و ملی شده‌اند حمایت می‌کنیم. این اتفاق موجب توزیع زمانی سفر از طریق برگزاری رویداد می‌شود.

وضعیت زیرساخت‌های ایران در حوزه گردشگری چطور است؟ چون بالاخره داشتن زیرساخت در مقصد، مشوقی برای سفر

در صورتی که ماهیت آن اقتصادی است درست است که جنبه فرهنگی هم دارد اما ماهیت اقتصادی آن کمتر دیده می‌شود.

شما با گردشگران داخلی کشور سرو کار دارید به ما بگویید آیا رفتار و مدل سفر گردشگر ایرانی با گردشگر خارجی تفاوتی دارد؟ به نظر مدل سفر یک فردی که مثلاً در اتریش زندگی می‌کند با سفر یک ایرانی باید متفاوت باشد.

بله تفاوت است. اقلیم، پیشینه تمدنی، فرهنگ و تمام اینها روی گردشگری و مدل سفر تأثیر می‌گذارد. مثلاً همان فرد اتریشی که مثال زدید وقتی به سفر می‌رود در واقع از یک منطقه سرسبز به جای دیگری می‌رود و می‌خواهد جای متفاوتی را ببیند ولی ما در اقلیم خشک زندگی می‌کنیم و بیشتر می‌خواهیم به یک جای سرسبز برویم. این یک تأثیر اقلیمی است. تک تک موضوعاتی که شما در اجتماع می‌توانید روی افراد ببینید تأثیرش را روی سفر هم دارد. مثلاً محدودیت‌ها موجب تغییر در رفتار سفر می‌شود. شما در شهری هستید که پارک آبی ندارید مسلماً می‌خواهید جایی بروید که پارک آبی داشته باشد.

یعنی آیا یک گردشگر خارجی هم به واسطه نداشتن وضعیت مالی مناسب، ممکن است چادر زن را به جای رفتن به هتل انتخاب کند یا اینکه تلاش می‌کند سفرش نفعی هم به هتل برساند؟

مدل‌ها متفاوت است. گردشگر خارجی از وب سایت‌هایی کمک می‌گیرد که هزینه اقامتش کمتر شود و هزینه اقامت را در جای دیگری خرج کند. ولی در ایران مدل سفرهای ما خانواده محور یا گروهی است. این مدل در هر نقطه‌ای از کشورمان متفاوت است. بررسی کردیم افرادی که به جنوب کشور سفر می‌کنند عمدتاً گروهی می‌روند ولی سفرهای شمال کشور مجردی است. سفر به مشهد معمولاً خانوادگی انجام می‌شود و سفر به مرکز کشور نیز در گروه‌های کوچک دو تا سه نفره انجام می‌گیرد.

این موضوع به خاطر تفاوت‌های فرهنگی است یا مقصد هم مهم است؟

مقصد و هدف سفر مهم است. برخی به طبیعت گردی علاقه دارند و برخی سفرهای مذهبی بیشتری می‌روند. ما نمی‌توانیم یک مدل را برای سفر ایرانی‌ها مشخص کنیم. منتها تمایل استفاده از خانه‌های مسافر یا خانه کاشانه‌هایی که عمدتاً هم غیرمجاز هستند، بیشتر است.

به چه دلیل؟

محدودیت برای گرفتن مجوز یک

این سینوس کم و برخی اوقات زیاد می‌شود این نوسان باید متعادل باشد. ولی وقتی این سینوس خیلی بالا می‌رود یا خیلی پایین می‌آید برای دارنده تأسیسات گردشگری خوب نیست. چون باید در زمانی که مسافر هست، نیروی بیشتری را برای کار گیرد و در زمانی که مسافر ندارد، از آن همه نیرو نمی‌تواند استفاده کند. ما با گردشگران خارجی می‌توانیم این سینوس را متعادل‌تر کنیم. منتها چند سالی است که در حوزه ورود گردشگران خارجی با مشکلاتی رو به رو شده‌ایم و اتفاقات مختلف روی این سینوس تأثیر گذاشته است. اکنون دولت در حال تغییر است و دولت جدید می‌خواهد این موضوع را مدیریت کند ولی با چالش‌های جدی روبه‌روست. شاید بیش از صد چالش بحران‌زا در گردشگری وجود دارد که هر کدام پروسه طولانی برای حل شدن می‌خواهند. پس باید عزم کلی دولت و حاکمیت وجود داشته باشد و بپذیرند که گردشگری می‌تواند راه‌حل عبور از بحران‌های کشور باشد و ایران را به درستی معرفی کند.

برای عبور از هر کدام از این بحران‌ها باید همه دولت عزم داشته باشند. باید نقش آفرینی گردشگری را به عنوان یک محرک بشناسیم. هر کدام از کشورهای اطراف که روی گردشگری متمرکز شدند؛ توانستند از بحران‌هایی که داشتند عبور کنند. چند سال پیش در دولت قبل سند توسعه گردشگری تدوین شده بود و نقش هر کدام از دستگاه‌ها مشخص بود ولی دستگاه‌ها وظایفشان را به درستی اجرا نکردند.

در صحبت‌هایتان به صنعت گردشگری اشاره داشتید آیا گردشگری به مرحله‌ای رسیده که به آن صنعت بگوییم؟

ما جامعه ذی نفعانی را داریم که به صورت شبکه‌ای به هم متصل هستند و هر کدام از آنها در حوزه اقتصادی خودشان نقش آفرینی می‌کنند. اگر این خوشه را به عنوان خوشه اقتصادی ببینیم متوجه می‌شویم که کارکرد گردشگری، صنعتی است وقتی از صنعت ساختمان حرف می‌زنیم یک سری اجزا دارد و جامعه ذی نفعان گردشگری دقیقاً همان کارکرد را انجام می‌دهند. منتها تعداد افراد این جامعه بیشتر است و منافع آن هم به عموم بیشتر می‌رسد. در صنایع دیگر یک شرکت یا یک فرد هست که در نهایت سود واقعی را می‌برد ولی وقتی یک گردشگر وارد شهری می‌شود، تأثیرش را روی خیلی از عوامل می‌گذارد منتها چون این عام تر است به چشم نمی‌آید. برای همین هست که هنوز در دولت نپذیرفته‌اند که گردشگری صنعت است. الان هم موضوع وزیر گردشگری در کمیسیون فرهنگی مجلس بررسی می‌شود.

